بسم الله الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِینُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَکَّلُ عَلَیْهِ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَی سَیِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ، وَعَلَی آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِینَ.

أَمَّا بَعْدُ:

زندگینامه و کارنامه علمی، جهادی و اداری

مولوی حیات‌الله سعید

۱- معرفی

مولوی حیات‌الله سعید، مشهور به «مهاجر»، معاون امور محصلان پوهنتون جوزجان، از چهره‌های شناخته‌شده علمی، فرهنگی، جهادی و اداری شمال کشور به‌شمار می‌رود که با تعهد، اخلاص، حسن مدیریت و روحیه خدمت‌گزاری، در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، اجتماعی و اجرایی ایفای وظیفه نموده است.

وی در کنار فعالیت‌های علمی و اداری، در دوران جهاد و مقاومت نیز حضور فعال داشته و در شرایط دشوار و حساس، با تحمل مسئولیت‌های سنگین، نقش ارزنده‌ای در خدمت به دین، جامعه و مردم ایفا کرده است.

۲- تولد و دوران کودکی

مولوی حیات‌الله سعید در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی، در قریه سیرتخت از منطقه لفرا، مربوط مرکز ولایت غور، در خانواده‌ای متدین، علم‌دوست و متعهد دیده به جهان گشود.

دوران کودکی ایشان با دشواری‌های اقتصادی، و بیماری‌های طولانی همراه بود؛ اما با توکل بر الله متعال، صبر، استقامت و حمایت خانواده، این مرحله دشوار زندگی را با موفقیت پشت سر گذاشت و شخصیت اولیه وی در همین شرایط سخت شکل گرفت.

۳- آغاز مسیر علمی و قرآنی

مولوی حیات‌الله سعید پس از آغاز تحصیلات دینی، در مدت کوتاهی موفق به حفظ قرآن کریم و فراگیری علوم شرعی گردید.

وی علوم دینی را نزد شماری از اساتید برجسته کشوردر ولایت های هرات، غور، فاریاب، بادغیس...، به‌ویژه جناب مفتی صاحب فیض‌محمد فائز (مهتمم فعلی مدرسه جهادی ولایت غور) و الحاج مولوی امیرمحمد حقانی، از شخصیت‌های علمی و جهادی حفظهم الله تعالی، فرا گرفت و سرانجام به درجه «حافظ» و «مولوی» نایل آمد.

ایشان در برهه‌ای از دوران جهاد، در اثر بمباران طیاره‌های دشمن از ناحیه گوش مجروح شده و شنوایی یکی از گوش‌های خود را به‌طور کامل از دست داده بودند. سپس برای تداوی به کشور پاکستان به طریقی اعزام گردیدند. در دوران درمان، ضمن تکمیل آموخته‌های پیشین، دانش و مهارت‌های خود را در برنامه‌های ضروری کمپیوتر، امور اداری وآموزش زبان پشتو بیش از پیش ارتقا بخشیدند.

پس از بازگشت، با توجه به نیازهای آن روزگار، به‌گونهٔ مستمر امور اداری و کمپیوتری جناب استاد گرامی الحاج مولوی امیر محمد حقانی، مسئول اداری ولایت فاریاب، را انجام می‌دادند وفرامین، گزارش‌ها، مکاتیب واسناد مربوط به ادارات امارتی ولایت را تنظیم و آماده می‌ساختند. در آن زمان، به سبب شرایط جهاد، هنوز تشکیلات منظم اداری، رسمیات ادارات و جایگاه‌های مشخص وظیفوی به شکل امروزی وجود نداشت و مهارت در امور کمپیوتری نیز در میان مجاهدین بسیار کمیاب بود؛ ازاین‌رو، خدمات ارزشمند ایشان در پیشبرد و انسجام امور اداری نقش مؤثر و چشمگیری ایفا نمود.

ایشان همچنان در بخش قرائت و تجوید قرآن کریم، دو روایت مشهور «شعبه» و «حفص از عاصم» را به‌گونه تخصصی نزد بنده، عبدالله مرادی، آموخت و پس از تکمیل این مرحله، سند معتبر حفظ و قرائت قرآن کریم را دریافت نمود.

در همان زمان، در حالی‌که بنده استاد قرائت ایشان بودم و در این بخش سخت‌گیری جدی نیز وجود داشت، با افتخار می‌توان گفت که ایشان از نظر ادای حروف، رعایت صفات، تجوید و القای معنای تلاوت، از ممتازترین شاگردان این فن به شمار می‌رفتند.

در دوران تحصیل در مدارس، با وجود این‌که ایشان از جمله مجاهدین سنگر بودند، نشانه‌های روحیه رهبری، احساس مسئولیت و تفکر عمیق جهادی در شخصیت ایشان آشکار بود. در زمانی که فعالیت‌های جهادی به‌صورت مخفیانه انجام می‌شد، وی نیز با احتیاط کامل در راستای بیداری فکری طلاب و دعوت به جهاد و مقاومت فعالیت می‌نمود.

ایشان در مدارس که درس میخواندن غالبا به‌حیث ناظم نیز ایفای وظیفه میکردن ضمن تربیت طلاب، آنان را به دفاع از ارزش‌های اسلامی و استقلال کشور تشویق می‌کرد. گاهی برای مدت یک تا دو ماه از دید اطرافیان ناپدید می‌شد؛ زیرا به‌صورت مخفیانه به تشکیلات جهادی می‌پیوست.

هدف اساسی ایشان از این‌که در کنار جهاد، بخشی از وقت خود را در مدرسه سپری می‌کرد، تکمیل تحصیل بود حتی یک وقت مدتی تنها بخاطر بیماری شدید یکی از اعضای خانواده‌اش بود؛ زیرا هر یک یا دو ماه ناگزیر می‌شد جهت تداوی وی به پاکستان سفر کند. پس از وفات آن عضو خانواده، ایشان به‌گونه دایمی سنگر را اختیار نمود و تا زمان فتح کشور، بدون توقف در صفوف مجاهدین باقی ماند.

جمله مشهور و نصیحت همیشگی ایشان برای مردم، به‌ویژه علما، این بود:

آمریکا حتماً همانند دو ابرقدرت پیشین، یعنی انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی، از افغانستان شکست‌خورده خارج خواهد شد. مبادا روزی پشیمان شویم و بگوییم: ای کاش ما نیز در برابر کفار در راه الله جهاد می‌کردیم ولهذا بیایید همه افغان‌ها متحدانه در مسیر اعلای کلمةالله و احیای دین حرکت کنیم.

واما جمله مشهور دیگر ایشان که هنوز هم بر زبان هم سنگرانش جاری است، این بود که هرگاه کسی در برابر نظام امارت اسلامی سخنی می‌گفت و دلایل ارائه‌شده را نمی‌پذیرفت، با شور و هیجان می‌گفت:

بروید سنگر خود را بکنید؛ حق و باطل تنها در میدان نبرد فیصله خواهد شد.

۴- فعالیت‌های فرهنگی و علمی

مولوی حیات‌الله سعید در کنار تحصیل و جهاد، در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای نیز حضور فعال داشت.

وی در بخش نویسندگی، مقاله‌نویسی، تحلیل موضوعات اجتماعی و فرهنگی و فعالیت‌های رسانه‌ای، گاهی با نام‌های مستعار فعالیت می‌کرد و تجربه قابل توجهی در این عرصه به دست آورد.

روحیه علمی، دقت فکری و علاقه به اصلاح جامعه سبب گردید تا وی همواره در آگاهی‌دهی عمومی و ترویج ارزش‌های اسلامی نقش فعال و مؤثر داشته باشد.

۵- پیوستن به صفوف جهاد

مولوی حیات‌الله سعید در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی به صفوف امارت اسلامی افغانستان پیوست و با انجام بیعت رسمی، مسیر جهاد و مبارزه را آغاز نمود.

در آغاز، به دلیل کم‌سن بودن، امکان حضور رسمی در برخی مراکز مجاهدین برای وی محدود بود؛ از همین‌رو مدتی را در ولسوالی بالامرغاب ولایت بادغیس سپری نمود.

پس از آن دوره در امور جهادی، پیره‌داری، خدمات به مراکزمجاهدین و همکاری‌های مختلف سهم فعال داشت.

با توجه به شرایط حساس آن زمان، بسیاری از فعالیت‌های خود را حتی از نزدیک‌ترین دوستان و اعضای خانواده پنهان نگه می‌داشت و برای رعایت احتیاط، گاهی ظاهری متفاوت از واقعیت از خود نشان می‌داد.

۶- حادثه و دوره تداوی

در یکی از رفت‌وآمدهای روزمره، در اثر واژگون شدن موترسایکل، مولوی حیات‌الله سعید دچار آسیب شدید در ناحیه مهره‌های کمر گردید.

این حادثه در سال‌های بعد شدت یافت وی نزدیک به سه سال را در بستر بیماری سپری کرد.

ایشان برای درمان، چندین بار به مراکز صحی داخل و خارج کشور مراجعه نمود و تحت چندین عمل جراحی قرار گرفت؛ اما با وجود تمام دشواری‌ها، امید و روحیه خود را حفظ کرد و با صبر و استقامت این مرحله دشوار را پشت سر گذاشت.

۷- خاطره‌ای از دوران بیماری الحاج مولوی سعید

الحاج مولوی سعید در آن زمان طلبه‌ای جوان بود. متأسفانه در اثر حادثه‌ای که برایش رخ داده بود، از ناحیه کمر دچار آسیب جدی شده بود.

پس از بازگشت از یک سفر علمی، برای عیادت ایشان به منزل‌شان رفتم. بعد از احوال‌پرسی متوجه شدم که سر و صورتش نسبت به قبل خیلی ورم کرده وخیلی بزرگ به نظر می‌رسید؛ اما پاهایش بسیار لاغر و نحیف شده بود.

با شوخی و خنده به ایشان گفتم: «جناب! هنوز هم می‌توانید راه بروید؟

گفت: نه، تازه عمل جراحی کرده‌ام و پاهایم دیگر قوت سابق را ندارد.

من نیز با مزاح گفتم: طبیعی است! این کله بزرگ شما پای قوی لازم دارد تا آن را بچرخاند؛ پاهای شما دیگر توان حمل چنین کله‌ای را ندارد! ان‌شاءالله به‌زودی صحت کامل خود را دوباره به دست خواهید آورد.

خوشبختانه پس از مدتی بهبود یافتند و بار دیگر به درس‌ها و فعالیت‌های علمی وجهادی خود ادامه دادند.

در آن روزگاری که بنده در مدرسه جامعه‌الهدی به‌حیث استاد قرائت ایفای وظیفه می‌کردم، گاهی با ایشان درباره جهاد و وضعیت زمان گفت‌وگو داشتیم.

در همان ایام، حملات شبانه نیروهای دولتی بر مدرسه سبب ایجاد ترس و اضطراب در میان طلاب گردید و فضای آموزشی را کاملاً ناآرام ساخته بود که هدف اصلی هم مادو نفربودیم. خوشبختانه وقتی چاپه میزدند هیچ سرنخ وآثارپیداکرده نمیتوانستند حتی دریکی از شبهای سرد زمستانی غور، مارا به بیرون استاد کرده مفتی صاحب فایز را تنها باپیراهن وازار به اتاقها به اصطلاح پیش مرگ خود داشتن تلاشی میکردن که بنده برای مولوی مهاجر گفتم جناب بسبب من وتو مفتی صاحب را یا بهانه جور کرده شهید میکنند ویا حتما برده بندی می نمایند چرا دیدیم که بعضی از کارمندان استخبارات به اتاقها مرمی ها را به هر طرف انداخته بودن.

در نتیجه همین فشارها،دیگر فعالیت ها در نزدیک سایه دولت ممکن نبود بنده و ایشان یکی پس از دیگری، ناچار به ترک مدرسه شدیم و تا زمان فتح کشور، در مناطق مختلف دور از قوم، اقارب و حتی در برخی مقاطع، دور از خانواده، زندگی خویش را در حالت هجرت سپری نمودیم.

۸- مسئولیت‌ها در دوران جهاد

وی در دوران جهاد، در بخش‌های مختلف از جمله 1 عضو مدیردعوت و ارشاد، امر بالمعروف و نهی عن المنکر، جلب و جذب ولسوالی لولاش فاریاب 2 مدیردعوت و ارشاد، امر بالمعروف و نهی عن المنکر، جلب و جذب ولسوالی لولاش فاریاب 3 عضو امر بالمعروف و نهی عن المنکر حلقه زون شمال 4 مسئول قطعه نظامی کوهستانات ولایت فاریاب 5 مسئول مالی واداری قطعه نظامی کوهستانات حلقه زون شمال و تنظیمات تشکیلاتی انجام دادند.

۹- نقش در جهاد و مقاومت

مولوی سعید مشهوربه مهاجر از چهره‌های فعال و تأثیرگذار در دوران جهاد بود و در تنظیم امور نظامی، مدیریت ساحات و پیشبرد اهداف تشکیلاتی نقش مهمی ایفا کرد. وی در این راستا چندین بار نیز مجروح گردید و تعدادی از نزدیکان و همرزمانش به درجه شهادت نایل شدند. أسکنهم الله الفردوس الأعلی.

۱۰- مسئولیت‌های پس از فتح

پس از فتح کشور، وی به‌حیث رئیس مالی و اداری ولایت فاریاب ایفای وظیفه نمود و سپس با تنزیل بست، از ریاست مالی و اداری به آمریت اداری و تأمینات انتقال یافت و به‌حیث آمر اداری و تأمینات مقام ولایت فاریاب به خدمت خود ادامه داد.

۱۱- ادامه تحصیل

وی پس از فتح کشور، در کنار وظایف اداری، تحصیلات رسمی خود را نیز ادامه داد که دوره تخصص فقه و افتاء را نزد علمای برجسته، از جمله مفتی صاحب محمد حسن دیوبندی، حفظه الله تعالی تکمیل نمود. وهمچنین اسناد (دیپلوم) لیسانس و ماستری را خویش رابا موفقیت از وزارت محترم تحصیلات عالی به دست آورد.

۱۲- وظیفه کنونی

در حال حاضر، مولوی حیات‌الله سعید به‌حیث معاون امور محصلان پوهنتون جوزجان مصروف خدمت بوده و در راستای بهبود امور محصلان، تأمین نظم آموزشی و ارتقای فضای علمی فعالیت می‌نماید.

۱۳- مهارت‌ها

وی در نویسندگی، تکنالوژی معلوماتی و فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای مهارت دارد و بغیراز زبان مادری(فارسی) به عربی تسلط کامل داشته و با زبان‌های پشتوبشتر و ازبیکی نیز آشنایی نسبی دارد.

۱۴- در پایان، لازم می‌دانیم یادآور شویم که ما هیچ فرد زنده‌ای را تزکیه نمی‌کنیم؛ زیرا سرانجام انسان‌ها و عاقبت امور را تنها الله متعال می‌داند. آنچه بیان شد، گزارشی از بخش‌هایی از زندگی، فعالیت‌ها و مسئولیت‌های ایشان است.

از الله متعال مسئلت داریم که به ایشان توفیق بیشتر در خدمت به دین، علم و جامعه عنایت فرماید، ایشان را بر راه حق و استقامت ثابت‌قدم نگه دارد، عاقبتش را به خیر گرداند و همه ما را تا آخرین لحظات عمر بر ایمان، تقوا و خدمت به دین مبین اسلام پایدار بدارد.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۲۰/۱۲/۱۴۴۷ هـ.ق

۱۸/۳/۱۴۰۵ هـ.ش

با حرمت

عبدالله مرادی